

حکما الامراء

نویسنده:
سید محمود بیگمیرادمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخب الهی از آیات و روایات

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخَب الهی از آیات و روایات
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۲	امراء منتخب
۲۳	«شعر»
۲۳	استواری در راه ولایت:
۲۵	ابواب معارف الهیه:
۲۶	کلمه التقوی چیست؟
۲۹	مهدویت و بقاء توحید:
۴۰	قطب بشریت:
۴۳	دستور ذکر:
۴۵	ذکر علی علیه السلام:
۴۹	وقوف در آیات و روایات:
۵۱	ذکر مولا:
۶۰	سؤال شب معراج:
۶۲	ایمان به ایمان:
۶۴	شهر ولایت مأمن اهل ایمان:
۶۶	نورالله کیست؟
۶۸	آب و حیات بخشی آن:
۷۶	تکبیره الاحرام:
۸۱	«شعر»
۸۲	«تو خود حجابی»

٨٣ يابن الحسن العسكري

٨٣ توجه:

٨٥ درباره مرکز

خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخب الهی از آیات و روایات

مشخصات کتاب

سرشناسه: میردامادی، سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخب الهی از آیات و روایات / محمود بحرالعلوم میردامادی.

مشخصات نشر: قم: عطر عترة، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۵-۴۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: به صورت زیر نویس

موضوع: اولیا

موضوع: ولایت -- جنبه های قرآنی

موضوع: ولایت -- احادیث

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۸م/خ ۶ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۳۴۰۳

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولايه امير المؤمنين و الائمه عليهم السلام و صلى الله على سيدنا و مولانا ابى القاسم محمد و آله الطاهرين لاسيما بقيه الله فى الارضين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين إلى يوم الدين.

به اسم تو مى نويسم

به يارى اسم تو

چرا؟ زيرا خودت اسم را واسطه قرار دادى و در آغاز قرآن، فرمودى «بسم الله الرحمن الرحيم و فرمودى و لله الأسماء الحسنی فادعوه بها»^(۱)

و حجت تو امام صادق عليه السلام فرمود: نحن والله الأسماء الحسنی^(۲)

و حجت تو امام رضا عليه السلام فرمود: إذا نزلت بكم شديدة فاستعينوا بنا على الله عز وجل^(۳)

ص: ۵

۱- اعراف، ۱۸۰

۲- البرهان، ج ۳، ص ۲۴۸، ذیل آیه شریفه

۳- همان

سخن پیرامون مقامات «أمرأء منتخَب» است، لذا از کلام خدای متعال که منتخَب پادشاهان هستی است آیاتی و از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت طاهرین علیهم السلام در موضوع این انتخاب و ویژگیها و خصائص آن، از جمله ویژگی حیات بخشی و سعادت آفرینی ولایت در جامعه ی بشری و نیازمندی انسان به این ولایت سخنانی می آوریم، و از او به وساطت أمرأء هستی، محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) مدد می جوییم.

سید محمود بحر العلوم - قم مقدّسه

میلاذ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

۲۰ جمادی الثانی / ۱۴۳۰

ص: ۶

سخن ما با مؤمنان به غیب و معتقدین به مبدأ و معاد هستی است.

کسی که ایمان به خداوند متعال یعنی بنا و سازنده ی هستی دارد، ممکن است سؤال کند که خدای حکیم برای چه منظور و حکمتی انسان را خلق نموده است؟

قرآن کریم می فرماید: و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون(۱)

(و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.)

پس آیه شریفه، دلالت دارد بر اینکه غرض خلقت جن و انس عبادت الله است.

باید دانست که عبادت انجام نمی گیرد و محقق نمی شود مگر با معرفت معبود و شناخت چگونگی عبادت که لایق او جل و علی باشد.

و بدیهی است که معرفت یابی نسبت به مکلف (خدای متعال) و تکلیف (عبادت) به دست نمی آید مگر به وحی الهی، اینجاست که بشر

ص:۷

خود را محتاج پیامبر صلی الله علیه و آله و شارحین وحی یعنی ائمه علیهم السلام باید بداند. (۱)

الذین یؤمنون بالغیب و...:

پس، بعد از اینکه انسان معتقد به عالم غیب شد، نوبت به عمل به دستوران مُنَزَل از غیب می رسد.

یکی از مهمترین دستورات الهی، دستور «أقم الصلوه» (۲)

است، خوب صلوه، یک مفهوم ظاهری دارد و آن ارکان مخصوصه است، که باید مکلف همواره به این تکلیف عمل نماید، و یک مفهوم باطنی و آن توجه به ولایت برگزیدگان الهی، مودت آنان و إقامة ی حق آنان است.

ص: ۸

۱- . محققین مباحث ولایت و تشنگان معارف امامت را ارجاع می دهیم به کتاب شریف و فرید «المنهج القويم» اثر کیمیا اثر فقیه عظیم الشأن، آیه الله سید محمد رجایی (دام ظلّه)

۲- . طه، ۱۴

صلوه خاشعین:

نماز خاشعین، نماز «مؤمنین» است که در سوره مؤمنون بشارت فلاح و رستگاری آنان آمده است:

قد أفلح المؤمنون، الذين هم في صلوتهم خاشعون(۱)

به چه دلیل باطن صلوه را ولایت و اقامه ی حق صاحبان ولایت می دانیم؟

پاسخ:

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث نورانیت می فرماید: ... فمن اقام ولايتي فقد اقام الصلوه... قال سلمان: قلت يا اخا رسول الله و من اقام ولايتك اقام الصلوه؟

قال: نعم يا سلمان تصديق ذلك قوله تعالى في كتابه العزيز: «واستعينوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلاً على الخاشعين».

فالصبر رسول الله صلى الله عليه و آله

ص: ۹

۱- مؤمنون، ۲ و ۳- الخشوع قريب المعنى من الخضوع و ضد الخضوع؛ الاستكبار (التبيان، ج ۱، ذیل آیه واستعينوا بالصبر و الصلوه...)

و الصلوه إقامه ولايتی فمنها قال الله تعالى «و إنها لكبيره» و لم يقل و «إنهما لكبيره» لأن الولاية كبيرة حملها إلا- على الخاشعين (۱)

ترجمه: کسی که بپا دارد ولایت مرا بپا داشته است نماز را... سلمان عرض کرد: ای برادرِ رسول خدا هر که بپا دارد ولایت شما را بپا داشته است نماز را؟ فرمود: آری ای سلمان؛ تصدیق آن در کتاب خدا آمده است که می فرماید: «واستعينوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلاً على الخاشعين» پس صبر در آیه مراد رسول خدا صلی الله علیه و آله است و صلوه برپاداشتن ولایت من است و از همین جهت است که خدای تعالی نسبت به صلوه

می فرماید: «إنها لكبيره» و نفرموده است «إنهما لكبيره» (در این آیه، خدا امر فرموده که یاری بجویید به صبر و صلوه لکن صلوه تنها را فرموده کبیره است یعنی بزرگ است، این است که در بیان، ضمیر مفرد برای

ص: ۱۰

۱- . ولایت کلیه، ص ۵۰، نوشته عالم ربانی آیت الله میرجهانی (قدس سره)، از بحار الانوار علامه مجلسی (قدس سره)، باب نادر در معرفت ائمه (صلوات الله علیهم)

صلوه آورده و گرنه باید ضمیر تثنيه که «إنهما» است به جای «إنها» آورده باشد و کبیره بودن ولایت برای آن است که کسی تحمل آن را نمی تواند بکند مگر کسانی که اهل خشوع اند؛ و اهل خشوع شیعیانند که مستبصر و بینايند و این برای آن است که اهل قیل و قالهایی که از فرقه مرجئه و قدریه و خوارج و غیر ایشان از ناصبها هستند، همه به پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله فائلند و منکر نبوت او نیستند و اختلافی در آن ندارند اما در ولایت من اختلاف کردند و منکر آنند مگر کمی از مردم که خدا آنها را در کتاب عزیز خود وصف فرموده و گفته است که «إنها لكبیره إلیما علی الخاشعین» یعنی ولایت امر بزرگی است و تحمل آن را نمی کنند مگر کسانی که اهل خشوع اند و آنها شیعیان می باشند.

پیروی از سابقان:

همه می دانیم که سابقان در خیرات (ایمان و اعمال صالحه) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت (علیهم السلام) می باشند.

كما قال الله تبارك و تعالی: السابقون السابقون... (۱)

پیروان و مدافعین ولایت معصومین علیهم السلام را قرآن کریم «مصلین» اطلاق می کند، «ما سلککم فی سقر، قالوا لم نک من المصلین» (۲)

(چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می گویند: ما از مصلین نبودیم.)

از امام صادق علیه السلام منقول است: لم نک من المصلین، یعنی از پیروان سابقین نبودیم. (۳)

پس مصلی همانطور که در کتب فقهیه آمده (۴): کسی است که پیرو و دنبال برنده ی اول مسابقه (یعنی سابق) حرکت می کند، مصداق این مطلب، أتباع صاحبان ولایت و پیروان

ص: ۱۲

۱- . واقعه، ۱۰

۲- . مدثر، ۴۲ و ۴۳

۳- . نور الثقلین، ج ۸، ذیل آیه شریفه

۴- . شرح لمعه، باب سبق و رمایه

ائمه ی هدایت علیهم السلام می باشند که در مسابقه خیرات(۱) (یعنی ولایت) برنده و سرفرازند.

مطلب مهمی که از آیه شریفه استفاده می شود اینست که، متابعت نکردن از ولایت و به قول قرآن کریم مُصَلِّی نبودن، باعث بدبختی انسان می گردد.

پس اولین فریضه بعد از ایمان، اینست که شخص مؤمن، در اقامه ی ولایتِ رسول الله و عترت آن حضرت، و پیروی از آن بزرگواران سعی و تلاش نماید.

مدد گرفتن از رسالت و امامت:

مدد گرفتن از دو دستگیره ی آسمانی، رسالت و امامت که در آیه شریفه: «واستعينوا بالصبر و الصلوه»(۲)

آمده است، برای سعادت بشر کفایت می کند.

اعتقاد به رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از اعتقاد به وجود الله تبارک و تعالی، به عنوان آورنده ی قانون الهی و سازنده ی دژ استوار توحید(حصن) و اعتقاد به ولایت

ص: ۱۳

۱- . خیرات؛ ولایت است. نور الثقلین، ج ۱، ذیل آیه: فاستبقوا الخیرات

۲- . بقره، ۴۵

ائمه عليهم السلام (صلوه) به عنوان كهوف و نگهبانان اين دژ، سه اصل از اصول اسلام را تشكيل مي دهد.

بدیهی است که اصل ولایت بر مستکبرین و مخالفان مبانی اسلام سخت و سنگین است، زیرا بقاء مبانی اسلام و معارف قرآن با ولایت و صاحب اختیاری ائمه و رهبری و ارشادات آن حضرات بوده است.

همین امر باعث شده که دشمنان اسلام و بیشتر یهود، با علت مبقیه ی دین یعنی با ولایت ائمه ی معصومین علیهم السلام به مبارزه برخیزند و با دور نمودن

مسلمین از قطب دین، به اختلافات دامن بزنند.

عبادت بی دستور:

اگر اقامه ی ولایت که صلوه خاشعین است در روح و جان ما محقق نشود و تنها مصلی و برگزار کنندگان ارکان مخصوصه باشیم، عبادتی بی دستور و از خود انجام داده فردا به سؤال: «ما سلککم فی سقر...»^(۱) مسئول خواهیم بود.

ص: ۱۴

شناخت نمایندگان خداوند:

پس از بحث مبدأ شناسی، ما به بحث منهج شناسی می‌رسیم و این بحث، ما را به اصل پیامبرشناسی و امام شناسی سوق می‌دهد.

کسب شناخت نمایندگان خداوند متعال، نه فقط به عنوان مدرسین منهج عبادت، بلکه به عنوان عاملین به بندگی خالصانه، و مشوقین عملی به عبودیت، لازم و ضروری است. ادله قرآنی و روایی می‌گوید:

صلوه به معنی ارکان مخصوصه و دیگر اعمال عبادی به صلوه باطنی یعنی همان قبول ولایت اولیاءالله و به معرفت ایشان محتاج است.

ما با همین ادله، مدعی اعتقادی بالاتر از این نیز هستیم، و آن اینست که موحد بودن انسان بستگی به قبول ولایت اولیاءالله دارد.

فهو لکم:

اهل مطالعه در علوم قرآنی و روشن ضمیران دانش ربانی می‌دانند که آیه ی شریفه: «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى

ص: ۱۵

(تنها پاداش من این است که کسانی بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.)

به وسیله ی عمل به آیه ی شریفه: «قل لا أسئلكم علیه أجراً إلاً الموده فی القربی»(۲)

تفسیر و تبیین می گردد.

مزد رسالت که در آیه ی اول، اتخاذ راه ربّ بیان شده است. همان مودت صاحبان ولایت(عترت طاهرین علیهم السلام) است که در آیه ی دوم مطرح گردیده است.

به تعبیر دیگر، موّحد بودن و طی نمودن طریق ربّ، به رهبری و ارشادات عترت علیهم السلام نیازمند است.

قرآن کریم با آیه ی شریفه: «فهو لكم»(۳)

مبشّر سعادت‌مندی کسانی است که راه را از راهنما می جویند و در طریق توحید، با ارشاد امام معصوم حرکت می کنند.

ص: ۱۶

۱- . فرقان، ۵۷

۲- . شوری، ۲۳ (بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.)

۳- . سبأ، ۴۷

مودت اصل دین باشد برادر***صفای دل همین باشد برادر
سخن از آیه ی «أَنْ يَتَّخِذَ» گو***ز تأویل مودت بهره ای جو
مودت اتخاذ راه ایمان***شده فرض الهی بر مسلمان
به قرآن خدا «فَهُوَ لَكُمْ» خوان***همه سود مودت بهر خود دان
بیا رشکی ببر بر جهد عمار***که نوشد شهد ایمان در بر یار
بیا درسی بخوان از صبر اشتر***مودت را ببین در جان قنبر
مودت را ببین در روز عاشور***کلاس درس دین تا نفخه ی صور

استواری در راه ولایت:

استقامت در راه ولایت و استواری در طریق امامت، همان پایداری در راه توحید و خداپرستی است.

یعنی کسب معرفت ولی و حجت الهی و استقامت در راه عمل به دستورات او، انسان را به معرفت الله (تبارک و تعالی) می رساند.

آیه ی شریفه قرآن: «و أن لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماءً غدقاً»^(۱) که سخن از پایداری در راه ولایت و طریقه ی امامت دارد، نتیجه اش همان است که فرموده است: «إن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا»^(۲).

طریقه ی ولایت و راه امامت است که سلمان و اباذر و بلال می سازد.

وقتی انسان را از آب خوش گوار محبت و چشمه ی حیات بخش مودت می نوشانند، گویای «ربنا الله» می شود و مُلهم به الهام ملائکه الله، بدون حزن و ترسی طریق بهشت را طی می کند.

ص: ۱۸

-
- ۱- . جن، ۱۶ (و اگر آنها (جن و انس) بر طریقه (ایمان) استقامت ورزند ما آنها را با آب فراوان سیراب می کنیم).
 - ۲- . فصلت، ۳۰ (کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند)

ابواب معارف الهیه:

با بیان گذشته به ویژگی باب الله بودن صاحبان ولایت اشاره نمودیم.

و این ویژگی، ویژگیهایی دارد که یکی از آنها این است که انحصاری است.

باب معرفت الله، فقط عترت طاهرین (صلوات الله علیهم أجمعین) هستند.

جامعه بشری اگر خواهان سعادت است باید از این راه وارد و در این دانشگاه به تحصیل معارف الهیه بپردازد. ادله ی قرآنی و روایی این ویژگی فراوان است ولی ما به قدر ظرفیت و کشش غالب، به بیان مطالب مأموریم.

قرآن کریم می فرماید: أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و ألزمهم کلمه التقوی (۱)

ص: ۱۹

۱- . فتح، ۲۶ (و (در مقابل) خداوند آرامش را بر رسول خود و مؤمنان نازل فرمود، آنها را به کلمه تقوی ملزم ساخت).

کلمه التقوی چیست؟

در قرآن ما به کلمه و کلمات بر می خوریم. عیسی مسیح علیه السلام را قرآن(۱)

کلمه می خواند و آل پیامبر را کلمات.(۲)

گاهی از امام و حجت الهی به کلمه باقیه(۳) یاد می کند و گاه به کلمه تقوی.

شیفتگان معارف باید کلمه به کلمه در این کلمات دقت نموده و عترت را از قرآن کریم بشناسند.

همه می دانند که هر نوشته و کتابی از اسم و فعل و حرف تشکیل شده است، اسم و فعل به خودی خود دارای معنا و مفهوم است ولی حرف به تنهایی مفهومی ندارد.

پس اسم و فعل دو کلمه ی کامل و تام هستند و حرف، کلمه ی ناقصه و غیر کامل محسوب می شود. برای همین باید حرف با اسم و فعل مصاحبت نموده و از کمال این دو بهره مند گردد.

ص: ۲۰

۱- آل عمران، ۳۹-۴۵

۲- بقره، ۳۷ - بقره، ۱۲۴

۳- زخرف، ۲۸

همین مطلب را در مورد کتاب تکوین تصور کنید.

موجودات جهان هستی هر کدام یک کلمه از کلمات این کتاب می باشند و هر کدام یا کامل و یا غیر کامل و ناقصند.

انسان که یک کلمه از این کتاب به حساب می آید نیز به کامل و غیر کامل تقسیم می شود.

بدیهی است که انسان غیر کامل محتاج انسان کامل است و باید برای رسیدن به کمال دست به دامن افراد کامل گردد.

ارسال رسل و مأموریت دادن به اوصیاء، برای پاسخ به این نیاز است.

وسيله ی کمال بشریت، اوامر و نسخه های معصومین است، إبتغوا إليه الوسيله در قرآن کریم گویای همین مسئله است. (۱)

پس گفتار مخالف با دلیل عقل و نقل مخالف بوده و انسان ناقص را از تمسک به افراد کامل «معصوم» باز می دارد.

ص: ۲۱

در زیارت جامعه می خوانیم: «بموالاتکم تمت الکلمه و...»

یعنی به قبول ولایت شما اهل بیت کلمه ی ناقصه (انسان غیر کامل) کامل می گردد. (۱)

برای همین خداوند متعال مؤمنین را ملزم به قبول ولایت کلمه التقوی و

اعلام الهدی (یعنی اهل بیت) نموده است. (۲)

و أشهد أنّ الائمه من ولدك کلمه التقوی و اعلام الهدی... (۳)

البته این الزام به ولایت و این تعهد در برابر امامت، سابقه اش به روز جمعه «عالم ذر» بر می گردد «یا ایها الذین آمنوا إذا نودی

للصلوه من یوم الجمعة...» (۴)

ص: ۲۲

۱- و یا اعتقاد به اسلام با قبول ولایت شما کامل و تمام می شود، همانطور که قرآن پس از ابلاغ ولایت می فرماید: الیوم

اکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی

۲- البرهان، ج ۷، ص ۲۴۳

۳- زیارت وارث

۴- جمعه، ۹ (ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا

بشتابید.)

امروز کلمه ی تقوی حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و معتقدین به آن جناب، متقین اند که قرآن کریم هدایت را منحصر به ایشان دانسته است: «ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین»^(۱)

مهدویت و بقاء توحید:

بقاء دین مبین و توحید ابراهیمی منحصراً به ولایت و مهدویت بستگی دارد.

قرآن می فرماید: «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»^(۲)

یکتاپرستی دوامش منوط به رهبری کلمه باقیه است و کلمه باقیه امامت دائمی اولاد ابراهیم (عترت پیامبر اعظم صلوات الله علیهم اجمعین) تا روز قیامت است.

چرا امام منتظر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بقیه الله می گویند: «بقیه الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین»^(۳)

ص: ۲۳

۱- . بقره، ۲

۲- . زخرف، ۲۸ (او کلمه ی توحید را کلمه ی باقیه در اعقاب خود قرار داد).

۳- . هود، ۸۶

با امامت این ذخیره ی الهی، دین مبین و معارف هداه معصومین باقی و برقرار می گردد و نور وجود آن محبوب، همیشه باقی و جاویدان است، مگر نفرمود: «کل من علیها فان و یقی وجه ربک...» (۱)

و مگر در دعای کمیل نمی خوانیم: و بوجهک الباقی...

نتیجه:

پس انسان غیر کامل راهی جز حرف شنوی و شاگردی در مکتب انسان کامل را ندارد. فانی برای رسیدن به

حیات طیبه و بقاء معنوی باید به باقی متوسل گردد.

و این انحصار، در آیات قرآن فراوان برای بشر تابلو شده است.

شما ببینید آیه ی تطهیر، (۲)

با ائمه آمده است، چرا؟

ص: ۲۴

۱- . الرحمن، ۲۶-۲۷ (تمام کسانی که روی آن (زمین) هستند فانی می شوند، و تنها وجه خدا باقی می ماند).

۲- . احزاب، ۳۳

خدای متعال مسّ نمودن قرآن را فقط برای «مطهرون» امضاء کرده است. (۱)

یا این دو مقدمه، قرآن را کتاب هدایت متقین قرار داده است:

«ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین» (۲)

مقدمه ی اول: معصومین، اهل بیت علیهم السلام هستند.

مقدمه ی دوم: ظاهر و باطن قرآن پیش معصومین است.

پس قرآن با بیان عترت، هدایت برای متقین باید باشد.

قرآنی که حقائق و اسرار آن، بواطن و تأویلات آن فقط در حضور پر نور «من عنده علم الکتاب» (۳)،

حلال

ص: ۲۵

۱- . واقعه، ۷۹

۲- . بقره، ۲

۳- . رعد، ۴۳ - عن ابی سعید خدری قال: سألت رسول الله (ص) عن قول الله تعالی: «و من عنده علم الکتاب» قال: «ذلک اخی علی بن ابی طالب علیه السلام (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا، ابن حنفیه، ابن عباس، ابی صالح)

مشکلات و سفینه النجاه کشف و حل می شود. آیا هدایتش انحصاری نیست؟

خواهش کاتب این نوشته، از خوانندگان آگاه این است که با صبوری به مطالب گذشته و آینده، خاصه این سطور توجه نموده، ببینند آیا نباید الحمد لله الذی هدانا لهذا ... (۱)

را در هر لحظه از عمرمان بازگو نموده، و شاکر نعمت ولایت و امامت باشیم.

گروه رستگاران:

فلاح و رستگاری که بزرگترین مطلوب بشریت می باشد در کدامین مکتب به دست می آید؟

آیا انسانها چه مقدار در این مسئله تحقیق و بررسی داشته اند؟

طرفداران قرآن می دانند که فلاح و رستگاری فقط در مکتب عترت علیهم السلام یافت می شود.

براساس براهین عقلی و نقلی (قرآنی و روایی) ما یک صراط مستقیم بیشتر نداریم، و آن

ص: ۲۶

طریق و راه قرآن با تفسیر و تبیین عترت است.

کتاب الله و عترتی:

ما به دلیل عقل، حدیث کتاب الله و سنتی را مردود می دانیم، چرا که بعد از نابود شدن حدیث، که مبلّغ

سنت است یعنی بعد از به آتش کشیدن سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله رجوع به سنت صحیحه، سالبه بانتفاء موضوع شده است و این در حالی است که اساساً حدیث مذکور، ساختگی و سنداً بی اعتبار است.

پس برای تبیین قرآن و برای رسیدن به سنت صحیحه ی نبوی فقط باید به عترت طاهرین علیهم السلام رجوع کنیم.

ص: ۲۷

١- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل وعترتي كتاب الله جبل ممدود من السماء الى الأرض وعترتي اهل بيتي وان اللطيف الخبير اخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا بم تخلفوني فيهما. (مسند احمد، جلد ٣، صفحہ ١٨، و جلد ٢، صفحہ ١٧ / كنز العمال، متقى هندی، حديث ٩٤٤ و احاديث بعد از آن) عن زيد بن ارقم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً خطيباً فحمد الله و اثني عليه ثم قال: الا ايها الناس فانما انا بشر يوشك ان يأتى رسول ربي فاجيب و انا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله فيه الهدى و النور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فحث على كتاب الله و رغب فيه ثم قال و اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي (صحيح مسلم، طبع سعودى، كتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل على بن ابى طالب عليه السلام / سنن دارمى، دارالكتب العربى، جلد ٢، صفحہ ٥٢٤، حديث ٣٣١٦) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... فانظروا كيف تخلفوني فى الثقلين؟ قالوا و ما الثقلين، يا رسول الله؟! قال: كتاب الله طرفه بيد الله و طرفه بايديكم فاستمسكوا به و لاتضلوا و الآخر عترتى و ان اللطيف الخبير نبأنى انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فسألت ذلك لهما ربي فلا تقدموها فتهلكوا و لا تقصروا عنهما فتهلكوا و لا تلوهم فانهم اعلم منكم من كنت اولى به من نفسه فعلى وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. (كنز العمال، متقى هندی، حديث ٩٥٧)

اگر کسی در موضوع حکومت عترت علیهم السلام و رهبری آن حضرات به تغییر و تبدیل روی آورده، با بافتن مطالب و تعریف حقایق مردم را به غیر (قرآن و عترت) دعوت نماید، برخلاف این انحصار الهی و نسخه‌ی درمان آسمانی قدم برداشته به فلاح و رستگاری بشریت زیان و لطمه وارد نموده است.

مکتبی که نه افراط دارد و نه تفریط، امت میانه و به قول قرآن «امت وسط»، مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

«و كذلك جعلناكم امةً وسطاً لتكونوا شهداء على الناس...»^(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نحن الامه الوسطی...»^(۲)

در روایتی آمده است که پیامبر به علی علیه السلام فرمودند: «أنت بمنزله الكعبه»^(۳)

یعنی تو نقش کعبه را داری، کعبه از احترام الهی برخوردار است، کعبه مورد توجه موحدین است، توجه به کعبه عبادت است و خلاصه، کعبه محور طواف مؤمنین است، و اینها همه با برتریهای دیگر، ویژه‌ی امام و حجت الهی

ص: ۲۹

۱- . بقره، ۱۴۳ (شما را امت میانه‌ای قرار دادیم) (در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید).

۲- . البرهان، ج ۱، ص ۳۴۴ (ما امت میانه هستیم).

۳- . اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۱

است. مثلاً شب قدر، ملائکه بر وجود امام طواف می کنند.

به هر حال این توصیفهای قرآنی و روایی که از جانب مکلف (خدا و رسول) بیان شده است، بی جا و حتی کم فائده و یک مدح صرف نیست.

مگر «یس والقرآن الحکیم» را نخوانده ایم؟ مگر آیات قرآن بی حکمت و بدون هدف است؟!

قرآن حکیم می فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (۱)

توجه به امام زمان و حجت دوران در هر عصر، یک وظیفه ی بزرگ و بزرگترین وظیفه است.

برای همین حاجی باید معرفت حجت الهی را کسب نموده با بصیرت، امیرالحاج را ببیند و از او طلب هدایت و رستگاری کند.

ص: ۳۰

۱- . حج، ۲۷ (و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دور (به سوی تو) بیایند).

درست است که در نماز می خوانیم: «إهدنا الصراط المستقیم»^(۱)

اما فیوضات الهیه از جمله هدایت از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما می رسد.

حاجی به دستور شرع مطهر به دور کعبه طواف می کند ولی باید بداند کعبه، نماد عظمت، قداست، و محوریت امام و حجت خداوند متعال است.

چگونه محوریت قول پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مورد اتفاق است و همگان از سنت ایشان سخن می گویند، همین رتبه در آیه ی شریفه ی: و اولی الامر منکم^(۲) برای عترت علیهم السلام کاملاً آشکار و معلوم است.

کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود***حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

ص: ۳۱

۱- . حمد، ۶

۲- . نساء، ۵۹

پس اولاً مکتب عدالت و میانه روی، مکتب حجج الهیه است و ثانیاً فلاح و رستگاری فقط در این مکتب به بشریت ارائه می گردد.

صلوه ذریه:

در گذشته گفتیم صلوه باطنی توجه به ولایت و صاحب اختیاری عترت علیهم السلام و کسب معرفت ایشان است.

جالب است بدانیم که حضرت ابراهیم (معلم و مربی توحید) در مقام دعا و عرض حال، اسکان ذریه خود را در مکه و نزد بیت، به منظور اقامه ی صلوه معرفی می کند.

«ربنا اِنّی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوه فاجعل افئدهً من الناس تهوی إلیهم»^(۱)

آیا توجه مردم باید به بیت باشد و یا به ذریه ی ابراهیم؟

ص: ۳۲

۱- . ابراهیم، ۳۷ - تفسیر نورالثقلین، ج ۶، ص ۱۱۱ را نگاه کنید (پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز).

کسی در اهمیت و عظمت بیت الله الحرام شك و تردید ندارد، ولی باید بدانیم، عظمت خانه از این است که نماد محوریت امیرالحاج الهی (از ذریه ابراهیم) است.

خوب، توجه مردم دنیا به ذریه ی ابراهیم(عترت طاهرین علیهم السلام) چه فایده و ثمری دارد؟

اینجاست که بحث زمینه سازی ظهور و اقامه ی صلوه ولایت پیش می آید.

تبلیغ ولایت و از خوبیهای امامت گفتن، مردم دنیا را به فضائل آل ابراهیم(عترت طاهرین) آشنا ساختن و از شیرینی ظهور نور و بارش ظهور، سخن به میان آوردن، قلوب مردم را به بزرگی آن حضرات، معطوف می دارد و مقدمات ظهور (اقامه صلوه) کنار بیت الله الحرام فراهم می گردد.

پس با این بیان، نیز به انحصاری بودن پرچم داران عصر فلاح و خوشبختی(عصر ظهور) رسیدیم و دانستیم که اقامه ی صلوه ولایت در کنار کعبه، به وسیله ی ذریه ی ابراهیم (اولاد اسماعیل یعنی عترت طاهرین علیهم السلام) انجام می گردد.

آیه ی شریفه را دوباره دقت کنید:

«ربنا إني اسكنت من ذريتي بواد غير ذي زرع عند بيتك المحرم ربنا

ليقيموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم»^(۱)

پس اگر کسی در زمان غیبت به ولایت آل ابراهیم یعنی عترت طاهرین علیهم السلام بی توجه باشد، و برای مقدمات ظهور، به خدمات فرهنگی (قرآنی و ولایی) اشتغال نداشته باشد، فردا به سؤال «ما سلکم فی سقر» باید پاسخ گوید.

بی توجهی به ولایت و امامت شارحین دین (عترت طاهرین علیهم السلام)، بی توجهی به همه ی خیرات و از جمله حج نیز به حساب می آید.

قطب بشریت:

با آیه شریفه «فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم» به محوریت آل ابراهیم (پیامبر اعظم و عترت طاهرین علیهم السلام) برای کمال بشریت پی می بریم.

حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) ذریه خود را به مکه برد و کعبه را به عنوان سنگ نشان ذریه،

ص: ۳۴

تجدید بنا کرد تا محوریت ظاهری و باطنی قطب کمال بشر را الی الابد تعیین فرماید. بنابراین اگر کسی در طریق توحید، قطب یعنی امام نداشته باشد و (به غیر امام) (۱)

این راه را بپیماید، مثل کسی است که پشت به کعبه نماید و برخلاف جهت قبله عبادت کند و نماز بخواند.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: نحن آل ابراهیم افترغبون عن مله ابراهیم و قد قال الله تعالی فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي.

ما خاندان ابراهیم هستیم، آیا از ملت و روش ابراهیم دوری می کنید، در حالی که خدای متعال (از بیان

ص: ۳۵

۱- . قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية». این روایت و نظائر معنوی آن: (بغیر امام، لیس فی عنقه بیعه، و...) در مدارک عامه نظیر: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸؛ کتاب الاماره؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه ی شریفه ی «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»؛ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۴۵۶ نقل شده است.

ابراهیم) می گوید: هر کس از من پیروی کند او از من است؟(۱)

همانطور که سابقاً بیان گردید، باب امامت ابراهیم بسته نشده و از ذریه او همواره پیشوایان معصومی در جایگاه امامت، به راهنمایی و ارشاد مردم پرداخته اند.

وظیفه مردم موخّیّد این می باشد که با «صادقین» (یعنی عترت علیهم السلام) معیت داشته و با همراهی امام معصوم به حرکت توحیدی و سیر الی الله ادامه دهند.

... و کونوا مع الصادقین

(۲)

ص: ۳۶

۱- نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۹۰، ذیل آیه ی شریفه ی ۳۵ ابراهیم

۲- توبه، ۱۱۹ (فخر رازی مفسر معروف عامه می نویسد: «کسی که جایز الخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را صادقین نامیده است؛ لذا این آیه دلالت می کند بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان بشوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و إلا این دستور، تکلیف به مالا یطاق است.» (تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه ی ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ی ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷، تاریخ مدینه ی دمشق، ترجمه ی علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۴۲، ص ۳۶۱؛ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳؛ فتح القدر شوکانی، ج ۲، ص ۵۰۲؛ صواعق المحرقة ابن حجر، ص ۱۵۰؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۴۸ و ۳۵۸؛ الدر المنثور سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶؛ روح المعانی آلوسی، ج ۱۱، ص ۴۰ و... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود مقدّس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذعان نموده اند.

دستور ذکر:

یکی از دستورات الهی دستور ذکر است، آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام در مورد ذکر فراوان است.

قرآن در توصیف اولی الالباب می فرماید: الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و ... (۱)

در ضمن بعضی از آیات، که مربوط به ذکر است، ما به آیاتی برخورد می کنیم که سخن از ذکر آلاء و نعم به میان آورده، به این نوع ذکر نیز فرمان می دهد.

قرآن کریم می فرماید: فاذکروا آلاء الله (۲)

ص: ۳۷

۱- آل عمران، ۱۹۱

۲- اعراف، ۶۹ (پس نعمتهای خدا را به یاد آورید.)

اولاً معلوم است که نعم و آلاء الهی فراوان و بی شمار است و ما یاد هر کدام از نعمت‌ها باشیم و توجه به بزرگی و اهمیت آن داشته باشیم بازگشت آن توجه به ولی نعمت یعنی خدای کریم و مهربان می باشد.

ثانیاً باید بدانیم خداوند متعال برای نعمت رسالت رسول اعظم صلی الله علیه و آله بر مؤمنین منت نهاده است؛ لقد منّ الله

على المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً... (۱)

آیا می شود نعمت وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با دیگر نعمتها مقایسه کرد؟

مثلاً آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با نعمت چشم و گوش انسان مقایسه می شود؟

هرگز!!!

فرضاً اگر خواستیم تشبیهی برای رسول الله صلی الله علیه و آله در عالم اجسام داشته باشیم، فقط می توانیم ایشان را تشبیه به قلب کنیم.

ایشان، هم قلب عالم امکان و محور وجودند و هم قلب بدنه دین و جهان تشریح.

ص: ۳۸

حالا آیا دستور ذکر آلاء و نعم که برای موحدان صادر شده است، اول، شامل کدام نعمت می شود؟

آیا ذکر و یاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مصداق بارز و روشن عمل به دستور، ذکر آلاء نمی باشد؟

این نعمت بزرگ که با ولایت و صاحب اختیاریش به همه، حتی انبیاء(۱) قبل از خود نور داده، مشکوتی که مصباح(۲) را دارا می باشد آیا یادش «مأموربه» و مورد فرمان الهی نبوده است؟

اینجاست که به بی مهتری بعضی از مدعیان توحید باید اشاره کنیم که با بی توجهی به بزرگی رسول الله صلی الله علیه و آله دین را تحقیر کرده، آب به آسیاب دشمنان اسلام، به ویژه یهود ریخته اند.

ذکر علی علیه السلام:

جای بررسی است که ذکر علی علیه السلام که طبق آیه ی شریفه ی مباحله(۳)، نفس رسول الله صلی الله علیه و آله به حساب می آید چه جایگاه و رتبه ای دارد.

ص: ۳۹

۱- . زخرف، ۴۵، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۵۶

۲- . اشاره به آیه ی نور، سوره ی نور

۳- . آل عمران، ۶۱

مَنْتَى که خدای متعال، برای رسالت رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر مؤمنین نهاده، آیا برای رهبری صاحبان ولایت نهاده است؟

پس آیه شریفه ی «و نرید أن نَمَنَ على الذّین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»^(۱)

چه می فرماید؟

هم نعمت رسالت منت دارد و هم نعمت ولایت، و در گذشته گفتیم که ولایت و امامت، حافظ و نگهدار رسالت و شارح و مبیین معارف آن است.

حال، جزء اخیر از علت تامه اگر در نظر گرفته نشود چه می شود؟

پاسخ در آیه ی شریفه به خوبی بیان شده است: و إن لم تفعل فما بلغت رسالتہ^(۲)

ص: ۴۰

۱- . قصص، ۵ (اراده ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین منت گذاریم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.)

۲- . مائده، ۶۷ (و اگر تبلیغ ولایت نمایی رسالت او را انجام نداده ای.)

پس رسیدیم به اینکه ذکر الله در ذکر آلاء و نعم نهفته است، و بالاترین ذکر آلاء و نعم، ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله است، و ذکر رسول وقتی مقدور است که او و بزرگی پیامش در آئینه علی علیه السلام دیده شود.

یعنی در آئینه وجود صاحب ولایت، عظمت معارف صاحب رسالت متجلی است، سنت را به عترت باید شناخت، و با آدرس زوج بتول (علیهما سلام الله) باید به معرفت رسول صلی الله علیه و آله رسید.

رسول الله صلی الله علیه و آله در آئینه نهج البلاغه، مُدرسی بزرگ و مربی عالیقدری است که علی علیه السلام خود را شاگرد این مدرس و تربیت شده این دانشگاه بزرگ می داند.

پس ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله نمی تواند جدای از ذکر علی علیه السلام باشد، همانطور که در دستور ذکر صلوات، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: بگو اللهم صل علی محمد و علی آل محمد (۱).

ص: ۴۱

شافعی این چنین می سراید:

يا آل بيت رسول الله جَبَّكُمُ**فَرَضُ من الله في القرآن أنزله

كفاكم من عظيمِ القدر أنكم**مَن لم يصلِّ عليكم لا صلوة له

«ای اهل بیت رسول خدا! محبت شما فریضه ای است که از جانب خدا در قرآن آمده است. در عظمت و منزلت شما همین بس که، هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است.» (اشاره به صلوات واجب در تشهد نماز است). (۱)

سابقاً اشاره ای به این معنا شد که توجه به صاحب ولایت و قبول رهبری ایشان، صلوه خاشعین است.

مفهوم شعر شافعی که از رهبران غیر شیعی می باشد این است که؛ با سلام و صلوات بر آل محمد (صلوات الله علیهم أجمعین)، صلوتت را صلوه خاشعین کنی.

صلوه بدون ذکر صلوات بر آل، صلوه مستکبرین است.

ص: ۴۲

البته نمی دانیم شافعی به بزرگی کلام خودش واقف بوده، یا فقط کلام

حقی برای حقانیت ذریه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) یعنی عترت طاهرین علیهم السلام به زبان او جاری شده است.

وقوف در آیات و روایات:

اینجا باید وقوف نمایی، سرزمین ذکرالله، یاد اسماء الهی، معرفت امیر حاج.

اینجا عرفات حج ابراهیمی است، (فاجعل افئده من الناس تهوی إلیهم)

وقوف در عرفات چگونه واجب است؟ وقوف به این فرازها، توجه به آیات و روایات معتبره اوجب است، حتی وقوف و تفکر در شعر شافعی و امثال او که حقیقت را در لابلای گفتار خود بیان داشته اند.

قف، مگر وقفوهم إنهم مسئولون(۱) را نشنیده ای؟

ص: ۴۳

۱- . صافات، ۲۴ (آنان را متوقف کنید زیرا مسئولند. بعضی جاها «وقف» به معنی متعدی می آید و بعضی جاها لازم استعمال می شود، مصدر متعدی وقف است و مصدر لازم وقوف.)

حاجی احرام دگر بند، چرا علی علیه السلام در خانه ی کعبه به دنیا آمد؟

قف، یعنی تفکر کن نه ایست کن.

آنها که در قبول ولایت ایست کردند، فردا ایست طولانی و خطرناکی پیش روی دارند.

چرا فرمود: «و یقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام»^(۱)

وجه ربّ باقی می ماند؟

وجه ربّ ذوالجلال و الاکرام است؟

وجه ربّ کیست؟ یا چیست؟

مگر خداوند صورت جسمانی دارد؟

روی این مطلب باید اندیشه کرد، وقوف نمود تا به مشعر و منای ولایت رسید.

وقوف کنید در عرفات ذکرالله که بدون ذکر نبی و وصی بهره و لذتی از عرفات مکه و حج نمی برید.

ص: ۴۴

پیامبر خدا(ص) فرمود: ذکر علی عبادۀ(۱)

یعنی: یاد علی علیه السلام عبادت است، بیائید روی این حدیث شریف، کمی وقوف داشته باشیم.

یاد همه ی عترت علیهم السلام البته این چنین است، ولی یاد علی علیه السلام از برتری بیشتر و فضل بالاتری برخوردار است.

چرا یاد علی علیه السلام عبادۀ الله است؟

راستی چرا؟

خوب، مگر او آئینه محمد(ص) نیست؟

مگر او معلم عبادت و مذکر عبادالله نمی باشد؟

مگر او پدر عبادت نیست، مثل فرزندش ابا عبدالله الحسین علیه السلام ، ابا عبدالله «پدر بندگان»

مگر او پدر آدم نیست «ابو تراب»(۲)

ص: ۴۵

۱- . ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۶ و ۲۲۹ - کنترل العمال، حدیث ۳۲۸۹۴

۲- . ینابیع الموده، ج ۲، ص ۷۹، ناشر: دارالاسوه

مگر نمی دانیم «انا و هو ابوا هذه الامه» را (۱) پس ذکر این دو پدر با هم باید منظور نظرات قرار گیرد.

چرا حلال مشکلات را فراموش کنیم، به کدامین دلیل امضاء کننده ی مقدرات را از یاد ببریم؟

آیا «إنا انزلناه فی ليله القدر» (۲)

را نباید بفهمیم و بشناسیم؟

ای برادر! قدر قرآن را بدان***آیه ی «يُفَرِّقُ» (۳) زجان و دل بخوان

سوره ی قدر آمده تدریس دین***جان فدای رهبر قدر آفرین

جان فدای آنکه فرمان می دهد***حکم او بر عاشقان جان می دهد

جان فدای غایب حاضر جواب***منتقم بر کینه های بی حساب

ص: ۴۶

۱- . ینابیع الموده، ج ۱ ، ص ۳۷۰، ناشر: دارالاسوه

۲- . قدر، ۱

۳- . دخان، ۴ - به بحارالانوار، ج ۴ ، ص ۱۰۱ رجوع کنید، این آیه در مورد شب قدر و حکومت ائمه علیهم السلام نازل شده است.

جان فدای غائب خانه به دوش*** ناظر نامردمان دین فروش

جان فدای حاکم غیب و حضور*** عارفان راه را ماء طهور

جان فدای سرور روح و ملک*** حبّ او بر انس و جان باشد محک

لیله القدر است قدر جاه او*** آفرین بر حشمت و درگاه او

لیله القدر آمده آئینه اش*** علم مصبوب است نقش سینه اش

عزّت و ذلّت بود تقدیر او*** مالک مُلک و مَلک با اذن هو

صاحب قدر و شرافت اوستی*** معدن جود و کرامت اوستی

طواف ملائکه کجاست، دور امیر قدر، پادشاه مقدرات، ابوتراب، می دانی ابوتراب امروز کیست؟

به عشق روی ماه تو، دیده پر آب می شود*** به یاد غربت شها! دلم کباب می شود

صاحب خانه ام تویی، مالک جان من بیایا*** به دور از ولایت، جهان سراب می شود
مبدأ هست، هست تو، پدر برای ماسوی!***علی به دید مصطفی ابوتراب می شود
ابوتراب این زمان وجود اطهرت بود***مس دلم به دست تو طلای ناب می شود
مبدأ عطر معرفت! مرا به صحبت بخوان***مُصاحب گل ولا، به حق گلاب می شود
چه شعله ای است حب تو، برد دل حریق را***محبّ خود بین شها چگونه آب می شود
نماز بی ولای تو عبادتی است بی وضو***کرائم کلام حق چه خوش جواب می شود
تو ظاهری ظهور حق مگر برای عاصیان***نفس و هوای دون بسی حکم حجاب می شود

هر آن که مُرد بی ولا، به دور از معارف*** به روز حشر، بی امان، غرق عتاب

می شود

در این تهاجم عدو نظر نما به ناصران***عدوی تو به نزد ما یقین مُجاب می شود

مقصد و کُهِف اُمّتی، نصرت حق بیا بیا*** «کوچک» تو به نصر دین جزء کلاب می شود

در عرفات این وادی (امام شناسی) اگر کمی فکر کنی، می بینی در آیات ولایت، تصریح به اسم نیست اما توصیف که ابلغ است، آن هم دهها و صدها توصیف آسمانی، مراد را به مرید نشان می دهد.

روایات، با زمان تقیه ساخته است، فقط می گوید: «ذکر علی عباده»

خوب، چرا از ذکر علی علیه السلام دوری کنیم و مروّج آن نباشیم؟

ص: ۴۹

مگر ما برای عبادت خلق نشده ایم؟ (و ما خلقت الجن و الانس إلا ليعبدون)

و مگر ذکر علی علیه السلام عبادت نیست؟

می توانید بگوئید، شهادت به ولایت عبادت نمی باشد؟

اگر طالب حیات طیبه هستیم تکلیف ما این است، لحظه های زندگی را با یاد علی علیه السلام نورانی کنیم، به ویژه لحظات زیبای مقدمات نماز را.

ما از آقای دکتر تیجانی و دیگر مستبصرین انتظار بیشتری داریم که در درک مفاهیم بلند فصول ولایت و رسیدن به فهم مراتب و شئون امامت، تلاش و سعی فراوان داشته باشند تا به احادیثی مثل مکتوب ساق عرش «علی ولی الله» است بی توجهی نکنند ایشان گفته است اینکه بر ساق عرش نوشته شده «علی ولی الله» این بحث دیگری است که نه برای ما فائده دارد و نه ما را به هدف واقعی می رساند. (۱)

ص: ۵۰

البته ایشان مرد مجاهد و خدمتگزاری است ولی بعضی از مطالبش قابل تأمل می باشد. ما به ایشان پاسخ می دهیم که فهمیدن عظمت ولایت و اینکه مسئله یک مسئله سماوی و الهی است، وظیفه ی همه ی موخّدان است و فائده اش فرار از مرگ جاهلیت است،^(۱) پس مکتوب عرش، که علی ولی الله است بر معرفت موخّد می افزاید موخّد از عرش درس گرفته بر قلبش می نویسد «علی ولی الله» و این ذکر مقدس از قلب به زبان جاری می گردد و حیات طیبه و زندگی همراه با بهترین آرامش ها را به او هدیه می نماید.

آقای تیجانی می داند که ذیل آیه ی شریفه ی «هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین»^(۲)

از ابی هریره و انس بن مالک از رسول خدا (ص) آمده است: شب معراج

ص: ۵۱

۱- اشاره به حدیث «من مات» که در صفحه ی ۲۸ مدرک آن را آوردیم.

۲- انفال، ۶۲ (او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد).

دیدم به ساق عرش نوشته شده: لا إله إلا الله محمد رسول الله

ایدته بعلى (یعنی به وسیله ی علی پیامبر را تأیید نمودم) (۱)

در شواهد التنزیل حاکم حسکانی ذیل آیه ی شریفه ی «و من اعرض عن ذکرى فإِنَّ له معیشتَهُ ضنکاً و نحسره یوم القیامه اعمی» (۲)

کلمه ی «ذکرى» را به ولایت علی علیه السلام معنا نموده و از جابر بن عبدالله نقل می کند، که رسول الله (ص) فرمود: من أبغضنا اهل البيت حشره الله یوم القیامه یهودیاً

چرا دشمنان اهلبیت علیهم السلام یهودی وارد محشر می شوند؟

شاید به این دلیل باشد که خط دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اول از یهود ترسیم و تصویب شده است.

ص: ۵۲

۱- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۴

۲- . طه، ۱۲۴، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸

و امروزه می بینیم خطوط انحرافی و مقابل قرآن و عترت از یهود درس گرفته و تغذیه می شوند.

خلاصه تبلیغات یهود علیه اهل بیت بر فکر بعضی اثر می گذارد و لذا یهودی وارد محشر می گردند.

پس «ذکر علی عباده» باید به ما بفهماند که نباید از کاروان ذاکرین و خاشعین در برابر ولایت دور و جدا باشیم.

ذکر علی علیه السلام جهادی است در برابر آنها

که قرآن می فرماید: «ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله»^(۱)

از امامت و ولایت کراهت دارند با اینکه این مقام بزرگ از خداوند متعال به اهل بیت علیهم السلام رسیده است.

آیا جهاد در اسلام واجب نیست؟

آیا بی توجهی به تلاش دشمن در خاموش کردن «نور الله» بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و احکام آن محسوب نمی شود؟

ص: ۵۳

انتظار از متفکران و اندیشمندان شیعه است که به تبیین آیات ولایت پرداخته، روایات فضائل را تشریح نموده، مردم به ویژه مستبصرین را به بزرگی های اهل بیت پیش از پیش آشنا سازند.

انتظار از حوزه های علمیه شیعه است که قبل از فقه (احکام شرعی فرعی) و اصول فقه، به دانشجویان علوم اسلامی، آیات ولایت و روایات معتبره شئون امامت را تدریس نمایند و عقائد طلاب و سربازان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قوی و استوار سازند.

انتظار از جامعه ی وعاظ و سخنوران مذهبی است که قبل از پرداختن به هر موضوعی به علت مبقیه دین بپردازند و در بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام با بیان جامع و مستدل تلاش و جدیت نمایند.

سؤال شب معراج:

آیا می دانید، انبیاء ذاکر علی علیه السلام بوده اند، در آیه ی شریفه: «واستل من ارسلنا من قبلک...»^(۱)

ص: ۵۴

مفسرین گفته اند: شب معراج، پیامبر خدا(ص) از همه ی انبیاء پرسید: شما بر چه محوری مبعوث شدید؟

انبیاء پاسخ دادند: علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب علیه السلام (۱)

پس ذکر علی علیه السلام عبادت است، عبادتی که شب معراج، انبیاء بدان پرداخته اند. پیروان انبیاء و موحدان عالم نیز باید به این دستگیره ی نجات متمسک باشند.

سوالی شد شب معراج ای دوست***اگر دانی تو آن را به چه نیکوست

محمد انبیاء را گشت سائل***به چه محور همه باشید مایل

تمامی از محمد نام بردند***به او قلب مطهر را سپردند

ز بعد او همه گفتند مولا***علی باشد، ز حق حبش تمنا

ص: ۵۵

علی مرشد برای انبیاء بود***علی مسند نشین انما بود

امامت بهر دین اکمال باشد***تدین بی علی اضلال باشد

علی مشکل گشای کشور دل***از او بحر معارف گشت حاصل

ایمان به ایمان:

چرا ذکر علی علیه السلام عبادت نباشد که او اسوه ی ایمان و اصل ایمان است.

در آیه ی شریفه ی «و من یکفر بالایمان»^(۱) امام باقر علیه السلام می فرماید:

«من یکفر بولایه علی و علی هو الایمان»^(۲)

پس ذکر علی علیه السلام ذکر ایمان است، ذکر ایمان به خداوند متعال، ذکر ایمان به پیامبر اعظم (ص).

ص: ۵۶

۱- . مائده، ۵

۲- . نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۰

دوش با اهل دلی با صد زبان***صحبت از ذکر علی آمد میان
گفت بر گو هر چه می دانی از او***گر چه وصف او بود راز مگو
گفتمش ای سائل آزاد فکر***ذکر مولا بهترین ذکر است ذکر
یا علی گفتن کمال آدم است***بر دل مجروح انسان مرهم است
یا علی ذکر سماوات علی است***بر لب کروبیان هم این نداست
یا علی ذکر رسولان اله***رمز قدرت، رمز عزّ پادشاه
یا علی، شافی به هر درد و غم است***بی ولای یار ما را ماتم است
یا علی گو تا شوی مرد کمال***رتبه آری تو به نزد ذوالجلال
یا علی داروی امراض همه***یا علی ذکر زبان فاطمه
بین مقام میثم تمار را***خوان زیارت نامه ی آن یار را

یا علی می گفت در بالای دار***در مسیر عشق حیدر استوار

شهر ولایت مأمین اهل ایمان:

یکی از مشکلات فردی و اجتماعی، مشکل تأمین امنیت است.

به نظر شما قرآن چه پیشنهاد و توصیه ای برای تأمین امنیت فرد و اجتماع دارد؟

برای تأمین امنیت، باید ایمان مردم را نسبت به صاحبان ولایت بالا برد، این توصیه ی بزرگ را می توان از آیات؛

۱. رب اجعل هذا بلداً آمناً(۱)

۲. رب اجعل هذا البلد آمناً(۲)

۳. من دخله کان آمناً(۳)

در قرآن کریم دریافت نمود.

ص: ۵۸

۱- . بقره، ۱۲۶

۲- . ابراهیم، ۳۵

۳- . آل عمران، ۹۷

تأویل و باطن دعای حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) توجه الهی به ذریه و مأمّن قرار دادن ولایت ایشان برای موحدان بوده است.

البته این دعای بزرگ از آن رجل الهی به اجابت رسیده و اهل ولایت و طرفداران مودت در امنیت و آرامش الهی به سر می برند.

مگر نخوانده ایم: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب»^(۱) را؟ مگر ذکرالله در ذکر علی علیه السلام یافت نمی شود؟

وقتی ذکر علی علیه السلام بر اساس اعتقاد به ولایت آن حضرت جزء زندگی انسانها

شد، سیر آنها به سمت معرفت الله و ذکر الله سرعت پیدا می کند و در نتیجه اطمینان و آرامش با زندگی آنها قرین می گردد.

همین مطلب را شما می توانید از حدیث سلسله الذهب و عبارت (بشروطها و أنا من شروطها) که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام القاء فرمود^(۲) دریافت دارید.

ص: ۵۹

۱- . رعد، ۲۸

۲- . اشاره به حدیث سلسله الذهب. قال (علی بن موسی الرضا علیه السلام): سمعت أبا موسی بن جعفر يقول سمعت ابا جعفر بن محمد علیه السلام يقول: سمعت ابا محمد بن علی علیه السلام يقول سمعت ابا علی بن الحسین يقول: سمعت ابا الحسین بن علی علیه السلام يقول سمعت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام يقول: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: سمعت جبرئیل علیه السلام يقول: سمعت الله عزّوجلّ يقول: «لا اله الا الله حصنی، فمن دخل حصنی امن من عذابی»: فلما مرت الراحله نادانا: «بشروطها و أنا من شروطها». «لا اله الا الله دژ محکمی من است؛ پس هر کس که در قلعه و دژ من در آید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ بر آورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحارالانوار، جلد ۴۹، صفحه ی ۱۲۳)

داخل شدن در حصن توحید و دژ استوار لا إله إلا الله، عامل امنیت و آرامش خواهد بود.

و می بینیم این امنیت و آرامش در حدیث امام رضا علیه السلام مشروط به قبول ولایت می باشد.

نورالله کیست؟

در قرآن کریم از ولایت کلمات الله یعنی (اهل بیت علیهم السلام) به نور تعبیر شده است.

می دانیم که نور، خود، ظاهر و ظاهرکننده ی غیر است، در مورد پیشوایان الهی اعتقاد ما بر این است که این بزرگواران «نور
الله» اند،

ص: ۶۰

مکتب نرفته و استاد ندیده به عنایات الهی استاد و مربی بشریت شده اند.

قرآن کریم می فرماید: «یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار»^(۱)

این چراغ نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور گردد، مصداق آیه ی شریفه، چراغ نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که از خداوند متعال سرچشمه گرفته و برای افروختنش به کسی احتیاج نبوده و نیست.

قرآن کریم می فرماید: «وأتبعوا النور الذی انزل معه»^(۲) یعنی مردم رستگار از نوری که با پیامبر اعظم نازل شده است پیروی می کنند.

قرآن در سوره تغابن دستور می دهد که به خداوند و رسولش و نوری که نازل شده است ایمان بیاورید، و

نیز در سوره ی رعد ۱۶ و تحریم ۸ و توبه ۳۲ و صف ۸ و بعض سور دیگر در مورد نور الله که همان صاحبان

ص: ۶۱

۱- . سوره نور، آیه نور

۲- . اعراف، ۱۵۷

ولایت هستند سخن گفته، خصائص نور و مسئولیت جامعه ی بشری در استفاده از آن را بیان داشته است.

یکی از ویژگی های جامعه ی ولایی و طرفداران ولایت علوی، نورانی بودن آنان است.

و همین امر، باعث می شود که جامعه ی مذکور امنیت فردی و اجتماعی داشته باشد.

می دانیم که ناامنی ها به ظلمت (نادانی و ناداری) بر می گردد و ظلمت از بی توجهی به قادر متعال و نمایندگان او ناشی می شود.

بشریت اگر طالب سعادت باشد، باید به ولایت عترت علیهم السلام پاسخ مثبت بدهد.

مکتب غنی علوی که از نادانی و ناداری به دور است، اگر منظور نظر انسانها قرار بگیرد، جامعه به سوی غنای مادی و معنوی رهسپار شده و امنیت و سعادت را به خوبی می یابد.

آب و حیات بخشی آن:

یکی از توصیف هایی که برای اهل بیت علیهم السلام در قرآن آمده است، تشبیه آن حضرات به آب است.

ص: ۶۲

می دانیم آب، هم طهور و پاک کننده است و هم حیات بخشی دارد.

«و انزلنا من السماء ماءً طهوراً لنحیی به بلدةً میتاً» (۱)

قرآن در سوره ی ملک، آیه ی ۳۰ و حج ۵ و ۶۳ و الرحمن ۱۹ در مورد این تشبیه سخن گفته است.

حال باید از مسلمین پرسید تا چه اندازه از این آب حیات استفاده کرده و با طهارت نفس و زندگی با معنویت همراه شده اند.

قرآن، هادی انسانها به سوی مکتب اقوم و صراط مستقیم است؛ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ» (۲)

آیا این مکتب اقوم و صراط مستقیم، غیر راه صاحبان ولایت است؟

مکتب ولایت، هم نور دارد و هم آب حیات، هم شارح حلال و حرام قرآن است و هم مبین

ص: ۶۳

۱- . فرقان، ۴۸ و ۴۹

۲- . اسراء، ۹

فرائض و واجبات، حال چرا باید انسانها از این منبع فیض دور باشند؟

مکتبی که از بیان جزئی ترین قوانین اخلاق و روش زندگی، تا عمیق ترین مسائل بلند معرفتی برای بشر، کوتاهی نکرده، به چه دلیل به جوامع بشری به خوبی معرفی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است؟

بعضی از مردم به دلیل هوی پرستی در مسیر مخالفت با ولایت قرار گرفته،

خسران و شقاوت را برای خود فراهم کرده، و بعضی هم قاصر در فکر و عمل، به استضعاف کشیده شده، گاهی حتی بلندگوی بیگانه گشته اند.

الان که به تنظیم این سطور مشغولم، میلاد مادر خوبیها، کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پیش است.

فکر می کنم مسلمانان چه ندارند، وقتی در حیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مطالعه می کنیم به سرچشمه ی خوبیها می رسیم. آیا این بانوی مکرمه، مادر مسلمین نمی باشد؟

ص: ۶۴

در عظمت این مادر همین بس که در حدیث قدسی (۱) آمده: اگر فاطمه نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را خلق نمی کردم.

در حدیث قدسی ناب و ظهور***هست نعت آل احمد در ظهور

حق تعالی خلقت ارض و سما***کرده بهر نور پاک مصطفی

علت غایی وجود نور اوست***مظهر دادار، وصفش بس نکوست

عالی اعلی امیرالمؤمنین***هادی راه و امین مرسلین

گر به عالم خلقتش امضاء نشد***خلقت نور نخست اجرا نشد

فاطمه خیرالنساء باشد ثمر***هست در وصفش حدیث معتبر

آن خبر شهرت به (لولا) آمده***در بیان وصف زهرا آمده

ص: ۶۵

گر خدا بر خلقتش قصدی نداشت***خلقت احمد به دفتر کی نگاشت

خلقت نور علی هم بهر اوست***او برای خلق عالم آبروست

فاطمه باشد ثمر در این میان***وصف او گوید خدا با این بیان

سوره کوثر همین را باز گوست***در بیان مجد او خوش گفتگوست

گر نبودی میل و امید ثمر***کی نشاندی باغبان بیخ شجر

آن شجر بهر ثمر آمد پدید***حق کمال دین خود در آن بدید

مظهر مکر الهی اوستی***عصمت الله و مطیع هوستی

باغ دین با ذکر او پاینده شد***شیعه از فریاد او یابنده شد

مگر ما می توانیم با این کلمات، حقّ (کلمات الله) را اداء کنیم و بزرگی آنان را شرح نمائیم؟

آیات و روایاتی که در این نوشته می خوانید و هر آنچه از بیان خود آن حضرات در توصیف خودشان آمده است بیان و شرح واقعی آن حوصله و

ظرفیت فراوان می طلبد و توفیق الهی می خواهد.

تازه باید بگوئیم؛ آب دریا را اگر نتوان کشید...

یک مطلب در نشان دادن بزرگی مکتب ولایت، خوب است گفته شود، و آن این است که این مکتب پدر و مادر دارد!!

یعنی طریق آل ابراهیم(عترت طاهرین) طریق و روش با اصالتی است که ریشه در اعماق جانها و فطرت ها دارد؛ فطره الله التي فطر الناس علیها(۱)

بهترین رنگ الهی، برترین عطر آسمانی در این مکتب یافت می شود؛ «صبغه الله و من احسن من الله صبغاً»(۲)

ص: ۶۷

۱- . روم، ۳۰

۲- . بقره، ۱۳۸

پدر این مکتب خاتم الانبیاء محمد (صلی الله علیه و آله) و علی مرتضی (صلوات الله علیه) دو دستگیره نجات بشریت و مادر این مکتب فاطمه زهرا علیها السلام است.

در برابر آب بایستید و نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (صلوات الله علیهم أجمعین) را ببرید، ملکولهای آب، خبردار به نظام واحد قیام نموده، به نمایندگان خداوند احترام می کنند. (۱)

عالم جماد، نبات و حیوان در حدّ وجودی خود به علت غائی هستی تعظیم می نمایند.

اما چرا و چگونه انسان به پدر و مادرش بی اعتنا گشته، عوض احسان به والدین، سنگ جفا به سعادت خود می زند؟

آیا انسان نباید فکر کند که خاصیت این سنگ زدن‌ها چه می شود؟

آیا انسان به امنیت و سعادت خود لطمه وارد نمی کند؟

ص: ۶۸

۱- . خوانندگان گرامی را به نتایج مطالعات دکتر اموتو، دانشمند ژاپنی پیرامون تأثیر کلمات و اخلاق و ضمیر انسان بر آب ارجاع می دهیم.

آیا این انحطاط از کدامین علت برای جامعه مسلمین به وجود آمده است؟

مکتبی که امنیت دارد، سعادت دارد پس به چه علت مریدانش غالباً به شقاوت و بدبختی گرفتارند؟

راستی چرا این چنین شده است؟

ما برای درمان دردهای فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی به جز عمل صالح (بعد از مؤمن شدن) چیزی را سراغ نداریم.

و عمل صالح، توجه به صلوه وسطی است که وجود مطهر امیرالمؤمنین است؛ «حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی»^(۱)

بیائید به نماز ولایت، خصوص ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام توجه فراوان داشته باشیم.

چرا در گوش طفل شیرخواره باید اذان بگویند، فقرات اذان و اقامه، اقامه نماز ولایت است، وجود طفل با کلمات مقدسه از انحراف دور می گردد.

ص: ۶۹

تکبیره الاحرام:

نماز ولایت با یک تکبیر آغاز نمی گردد، صد و بلکه صدها تکبیر می خواهد.

تکبیره الاحرام زیارت جامعه، زیارت اقرار به ولایت، صد تکبیر است.

اول از خدانشناسی شروع می کنی، خدای اکبر باید ولیش اکبر باشد.

او اکبر آن یوصف است، حجت او هم در خلق اکبر ان یوصف به حساب می آید.

حالا- ملکولهای وجود طفل شیرخواره در برابر اذان و اقامه ولایت قیام نموده تا تربیتی برای فردا و فرداهای او در جامعه باشد. (۱)

ص: ۷۰

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که فرزندی از او متولد شد، باید که اذان در گوش راست او و اقامه در گوش چپ او بگوید، این کار باعث می شود او از شرّ شیطان در امان باشد. حلیه المتقین، ص ۱۲۴

تا وقتی الله اکبرهای زیارت جامعه را می شنود، متذکر شهادت به ولایت بشود و فقرات زیارت جامعه را غلو نخواند.

بعضی علماء فرموده اند که این الله اکبرها غلو زدائی و مبارزه با شرک است.

بلی ممکن است این چنین باشد، اما با کمی دقت در می یابیم که قبل از کلاس ولایت، کلاس معرفت الله لازم است.

وقتی در کلاس معرفت الله، خدای را به بزرگی شناختی، دیگر بزرگی نمایندگان خدای بزرگ را غلو نمی خوانی.

کسانی که به عظمت حکومت و سلطنت خدای متعال معرفت ندارند، در عظمت صاحبان ولایت توقف می کنند. دعای اللهم عرفنی نفسک را فراوان بخوانید، وقتی عرفان الهی به عنایت حق آمد آبخار عرفان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و حجج الهی بر قلب انسان سرازیر می گردد.

الله اکبر، الله اکبر که با این عظمت، با جُہَال و اهل غفلت نشست و برخاست می کردند و از خود تواضع و فروتنی نشان می دادند.

ص: ۷۱

الله اکبر، الله اکبر که خَلقشان مثل خَلقشان عظیم و بزرگ بود و با

پائین ترین خلق صبوری می نمودند و دلی را نمی شکستند.

الله اکبر، الله اکبر که حقشان پایمان شد ولی حقوق بشر را حتی در زمان استضعاف برای بشریت ترسیم کردند.

الله اکبر، الله اکبر (علی علیه السلام صوت العداله الانسانیه)، برتر و بالاتر از آنچه در ۱۹۴۵ میلادی به نام حقوق بشر در اروپا تصویب گردید، حقوق بشر را عملاً تدریس نمود، همان را می گویم که از گریه یتیم گریه می کرد و از ستم در حق یهودیه فریاد بر می داشت.

توئی که زیارت جامعه می خوانی و نماز ولایت را اقامه می کنی، تنها نیستی که الله اکبر می گویی بلکه تمام موجودات به این عظمت روح و بزرگی اخلاق، الله اکبر می گویند.

پس الله اکبرها پاسخگوی شبهه افکنان پیرامون ولایت و شئون اهلبیت علیهم السلام است.

در اینجا زائر از خدانشناسی به امام شناسی می رسد. البته از معرفت امام و حجت الهی می توان به معرفت الله رسید، «من أراد الله بدء بکم» شاهد این مطلب است.

بزرگی علم، قدرت و جاه و جلال علی علیه السلام معرّف بزرگی خداوند است.

اینجا از اثر، پی به مؤثر می بریم، آیه ی بزرگ خدا که نشان دهنده علم الله و قدرت الله است، علی علیه السلام می باشد.

بیائید علی علیه السلام را بشناسیم تا خدای را بشناسیم.

امروز نماینده ی حضرت علی علیه السلام ، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناشناخته مانده است.

برای شناخت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خداشناسی لازم است.

مسلمانان وقتی الله اکبر را فهمیدند، به علم و قدرت نماینده او در این زمان واقف می شوند.

مگر می شود خدای اکبر نماینده (نمایش دهنده) علم و قدرت نداشته باشد؟

کسب معرفت الله که «مأمور به» است از کجا غیر از نگاه به عظمت نماینده ی او محقق می شود؟

اگر زمین خالی از حجت الهی باشد، این بدین معناست که آئینه ی خدانمایی وجود ندارد و کسب معرفت الله وظیفه ی انسانها نیست و این با ادله ی عقلی و نقلی منافات دارد.

در خاتمه، بنا به امر و دستور «فاذكروا آلاء الله» به یاد حجت یزدان، ولی دوران، حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشعاری ارائه می گردد.

ص: ۷۴

بی عشق روی مهدی عمرم شود چه زائل***غیر از محمد و آل نبود مرا وسائل

با عشق روی گلها دارم توسلی چند***به به، به نور نرجس! قلبم بر اوست مایل

از کافران نپرسم نور وجود مهدی***با اجنبی نگویم امثال این مسائل

سرّ ولا نداند آن کس که اجنبی شد***افشا کنم هدف را بر شیعیان سائل

بر صفحه ی دل ما نقش نگار باشد***نامه نگار اوئیم، به از این رسائل

قدر است نظره ی او در ليله ی مقدر***فوج ملک به عشقش گردیده اند نازل

شعری به عشق گفتم وفق مراد سائل***هر کس شنید گفتا: لَلَّهِ دَرُّ قَائِلِ

گفتم انیس دلها از بهر چه نیایی؟***گفتا تو خود حجابی چون و چرا چه حاصل؟

گفتم ز چه نصیبی از دیدنت ندارم؟***گفتا اسیر نفسی آتش بزنی تو حائل

وز معصیت پرهیز با نفس دون در آویز***حقاً همین معاصی گردیده است فاصل

بر حکم دین نظر کن با متقین سفر کن***از سیر در شریعت شاید شوی تو واصل

گفتم ترحمی کن از بهر ما یتیمان***گفتا منم رئوف و بهر یتیم کافل

من مقصد أَلَسْتَم کون و مکان به دستم***از ارتباط با من هرگز نشو تو غافل

«کوچک» به یاد رویم اشک شعف بریزد***او با عنایت ما گردیده است ناقل

در حدیث آمده است: النظر إلى علی عباده (۱).

امام، وارث و نماینده ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمائید و همچنان که ذکر بزرگی و عظمت مقامتان عبادت است، نظر به چهره ی نورانی و مقدستان عبادت است، ولی دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.

عزیزُ علیَّ أن أرى الخلق ولا ترى

والسلام علیک یا بقیه الله

توجه:

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحرالعلوم که بزودی منتشر می گردد:

۱. مباحث تخصصی امامت و مهدویت از دیدگاه قرآن- عربی، فارسی، روسی، سواحلی، اندونزی و چینی.

۲. حقائقی که در عاشورا ترسیم شد- فارسی.

۳. مرآه الجمال- دل نوشته های مهدوی- عربی و فارسی.

۴. دعای ندبه تجلیگاه عشق- ویرایش جدید- فارسی و عربی.

۵. نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان- فارسی، انگلیسی و فرانسه.

۶. الصرخه- نقد شبهات روز- عربی و فارسی.

۷. دروغ پردازی پشتوانه ماتریالیسم- چاپ جدید- فارسی و انگلیسی.

۸. مقدمه تقویم الإیمان فی فضائل امیرالمؤمنین- چاپ جدید- عربی.

۹. وظائف موعودیان- چاپ جدید- فارسی و عربی.

۱۰. پاسخ بافته ها - نقدی بر اندیشه های شبستری- فارسی.

۱۱. انتخاب برترین سیستم- نقد افکار مارکسیستی- ویرایش جدید- فارسی.

۱۲. عبور از پرتگاه- میزگرد و نشستنی با دکتر تیجانی- عربی و فارسی.

۱۳. نصیحتی الی شیخ الوهابیه - عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه، اردو و روسی.

۱۴. خصائص الامراء (قسمت دوم).

۱۵. وده ها کتاب دیگر.

ضمناً از معظم له ده ها مقاله جهت همایش های علمی در دانشگاه های داخلی و خارجی، روزنامه ها، مجلات و سایتهای مختلف تدوین گردیده، که با توفیق الهی در مجموعه ای کامل تنظیم و در چند مرحله چاپ و منتشر می گردد.

ص: ۷۷

۱- . صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۶۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

